ذره‌بین

حمایت حزب‌الله از پاسخ حماس به ترامپ



بعد از پاسخ هوشمندانه جنبش مقاومت اسلامی به طرح صلح رئیس‌جمهور آمریکا برای ترک مخاصمه در نوار غزه، حزب‌الله لبنان در قالب بیانیه‌ای رسمی از مواضع خردمندانه این جنبش مقاومتی حمایت کرده است. در اظهارات حزب مردان خدا آمده که از موضع حماس در قبال طرح دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا که با رایزنی و هماهنگی با دیگر گروه‌های مقاومت فلسطین اتخاذ شد، حمایت می‌کنیم.

این جنبش خاطرنشان کرد: «موضع حماس که بر توقف جنگ تأکید دارد، بیانگر پایبندی به مساله فلسطین و عدم چشم‌پوشی از حقوق ملت فلسطین است.» حزب‌الله ادامه داد: «از کشورهای عربی و اسلامی می‌خواهیم که از مردم فلسطین و نیروهای مقاومت در تمام عرصه‌ها حمایت کنند.»

این جنبش تصریح کرد: «توافق ملی فلسطینی مبتنی بر حقوق ملی مشروع، چارچوبی است که مذاکرات باید بر آن استوار باشد.» در انتهای بیانیه حزب‌الله ذکر شده است که این مذاکرات باید به عقب‌نشینی دشمن صهیونی از تمام باریکه غزه و جلوگیری از کوچاندن مردم فلسطین و فراهم‌کردن زمینه اداره امور باریکه غزه توسط فلسطینی‌ها منجر شود.

هشدار پوتین نسبت به ارسال موشک «تاماهاوک» به کی‌یف



ولادیمیر پوتین در گفت‌وگویی اختصاصی با پاول زاروبین، روزنامه‌نگار مشهور روسی در واکنش به تصمیم واشنگتن برای ارسال موشک «تاماهاوک» به کی‌یف، هشدار داد که این اقدام روابط کرملین و کاخ سفید و روند مثبتی را که تاکنون شکل گرفته است، از بین خواهد برد. وی در همین ارتباط تأکید کرد: «این‌که اوضاع چگونه پیش برود، فقط به ما بستگی ندارد.» دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین نیز در واکنش به اظهارات مقامات آمریکایی درباره احتمال ارسال موشک‌های تاماهاوک به اوکراین و احتمال شلیک آن به روسیه با رضایت رئیس جمهوری آمریکا گفته بود: «در حال بررسی این اظهارات هستیم و متخصصان نظامی ما وضعیت را زیرنظر دارند.» تارنمای آکسیوس پیشتر گزارش داده بود که ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین هفته گذشته در حاشیه هشتادمین نشست مجمع عمومی سالانه سازمان ملل متحد از دونالد ترامپ همتای آمریکایی خود خواسته بود موشک‌های کروز دوربرد تاماهاوک را در اختیار اوکراین قرار دهد. موشک تاماهاوک با بردی تا ۲۵۰۰ کیلومتر و کلاهکی به وزن ۴۵۰ کیلوگرم (۹۲۲ پوند)، به‌مراتب توانایی‌هایی فراتر از هر سامانه دوربردی دارد که تاکنون اوکراین از متحدان غربی دریافت کرده است. کیت کلوگ، نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور روسیه و اوکراین چند روز پس از این گزارش اعلام کرد که واشنگتن هنوز در ارتباط با امکان ارسال موشک‌های دوربرد تاماهاوک به کشورهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای انتقال آنها به کی‌یف، تصمیمی اتخاذ نکرده است. وی در همین راستا تأکید کرد: «تصمیم نهایی برای آغاز ارسال این موشک‌ها به رئیس‌جمهور آمریکا بستگی دارد.» این اظهارات کلوگ در حالی صورت گرفت که جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه‌ای با «فاکس نیوز» تأیید کرده بود که واشنگتن در حال بررسی درخواست اوکراین برای ارائه موشک‌های دوربرد تاماهاوک به کی‌یف است.

نخستین انتخابات تحت سلطه هیات تحریرالشام به نمادی از دیکتاتوری جولانی تبدیل شد

دموکراسی به سبک جولانی





سیدرضا حسینی
گروه بین‌الملل

انتخابات آزاد و عادلانه، پشتوانه اصلی مشروعیت دولت ـ ملت‌های مدرن محسوب می‌شود که با رقابت سرسختانه احزاب، دغدغه‌های شهروندان را به سیستم سیاسی منتقل می‌کند؛ بدون چنین سازوکاری، کشور صرفا توسط گروه اندکی از افراد مبتنی بر منافع مطلوب آنان اداره خواهد شد. در همین راستا، اولین انتخابات پس از خروج بشار اسد، به رهبری رژیم جولانی، دیروز در برخی مناطق سوریه که از ۱۴سال جنگ داخلی آسیب دیده‌اند برگزار شد. برخلاف رویه معمول نظام‌های دموکراتیک، این انتخابات عمدتا به‌صورت غیرمستقیم و تحت نظارت نهادهایی انجام گرفت که صرفا به رئیس جمهور خودخوانده سوریه پاسخگو بودند. به نقل از رویترز، کمیته‌ای که توسط جولانی منصوب شده بود، ۱۵۷۰ نامزد را تأیید کرد که برنامه‌های خود را در سمینارها و مناظرات این هفته به نمایش گذاشتند. اما تبلیغات انتخاباتی عمومی بی‌سروصدا بود و هیچ پوستر یا بیلبوردی در شهرهای بزرگ وجود نداشت. دوسوم کرسی‌های پارلمان به واسطه کمیته‌های محلی متشکل از کارشناسان و چهره‌های جامعه در ۵۰ حوزه انتخابیه برگزیده می‌شوند؛ اما مجلس جدید سوریه تا زمانی که عضو سابق القاعده، یک‌سوم باقیمانده کرسی‌ها را انتخاب نکند، رسما تأسیس نخواهد شد.

انحصار قدرت

مسلما برای آشنایان به تحولات سوریه، روی کار آمدن جولانی به‌عنوان نشانه‌ای مثبت جهت تعمیق فرآیندهای دموکراتیک ارزیابی نشد و تمرکز حکمرانی بر دستان ساکن کاخ‌ریاست‌جمهوری قابل پیش‌بینی بود؛ اما برای فهم جهان‌بینی جولانی بایستی عمیق‌تر شد و به ریشه‌های «اقتدارگرایی سلفی» سفر کرد. تا پیش از اولین انتخابات مصر پساحسنی مبارک، سلفی ـ جهادی‌ها (تکفیری) تمام عناصر دولت مدرن نظیر پارلمان، انتخابات و تقسیم قدرت را خلاف تفاسیر خود از سیاست‌ورزی می‌دانستند. اما موفقیت حزب سلفی مصری «النور» تاکتیک جدیدی برای بالارفتن از نردبان قدرت را به سلفی‌ها معرفی کرد. شرکت در انتخابات و مماشات با مظاهر مدرنیته جهت کسب افسار جامعه در دستورکار قرارگرفت. با توجه به تحولات ذکرشده، با شکست فعالیت‌های گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و جبهه النصره در سوریه، جولانی از فرماندهان ارشد تکفیری به سمت تغییر رویه و پذیرش اجباری ظواهر مدرن نظیر ارائه خدمات عمومی در ادلب و تاسیس نهادهای اجرایی (پذیرش اسمی تفکیک قوا) حرکت کرد.

این تروریست عملگرا با تصرف دمشق نیز مجبور به پذیرش ساختارهای مدنی/ نظامی دیرینه سوریه مدرن شد و برای جلب همراهی به‌ویژه جمعیت سکولار شهرهای اصلی کشور (دمشق، حلب، حمص و لاذقیه) تئاتری از تحول عقیدتی را به نمایش گذاشته است که هدف نهایی آن کسب، حفظ و اعمال قدرت به شکل سلفی مبتنی بر فرصت‌های جاری ارزیابی می‌شود.

همه مردان رئیس‌جمهور

با درک جهان‌بینی حاکمان جدید دمشق، حال می‌توان درک کرد که هدف مجلس جدید نظارت بر کار قوه مجریه و انعکاس تکثر جامعه سوری نخواهد بود؛ بلکه نهاد مدرن تحمیلی به سرکرده هیات تحریرالشام برای اقناع بازیگران داخلی و خارجی منطقه لوانت است. باتوجه به تمایل حکام دمشق به انتخابات بدون دموکراسی، مشخص نیست که در قانون اساسی آتی سوریه، همچنان مردم حق شرکت مستقیم داشته باشند و این مسأله به تصمیم نهایی نخبگان سیاسی حکام بستگی خواهد داشت.

نمایندگان رئیس‌جمهور خودخوانده که بعضا ارتباط‌های فامیلی با جولانی دارند در کمیته‌های مختلف مستقر شده و در حال تقسیم غنایم فتح میان خودشان به‌ویژه در حوزه اقتصادی هستند و مخالفان رژیم حاکم از صحنه روزگار محو می‌شوند. به‌عنوان‌نمونه در انتخابات دیروز، سه استان حسکه، لاذقیه و سویدا به‌دلیل آنچه چالش‌های امنیتی خوانده شد، به تعویق افتاده است. این یعنی حدود نیمی از جمعیت از هرگونه مشارکت سیاسی (حدود ۱۹ کرسی خالی اقلیت‌ها) محروم شدند.

برش

خاستگاه تاریخی ناآرامی شام

جنگ و کشتارهای دائمی کشور سوریه صرفا به دلایل تحولات جاری نیست، بلکه مصائب امروز به اندازه تاریخ مدرن منطقه قدمت دارد. سوریه پس از جنگ جهانی دوم وارد دوره‌ای شد که در آن نهادهای پارلمانی بی‌تجربه بودند و رهبری سیاسی کشور نیز با وظایف حکومت‌داری آشنایی کافی نداشت. این موانع در مسیر شکل‌گیری یک حیات سیاسی سالم، با میراث سیاست‌های دوره قیمومت فرانسه تشدید می‌شد؛ سیاست‌هایی که بر شکاف‌های منطقه‌ای و مذهبی تأکید داشتند. بی‌ثباتی سیاسی سوریه همچنین از جایگاه کشور در مبارزه برای سلطه بر جهان عرب شرقی ناشی می‌شد. در میانه دهه ۱۹۵۰، مصر و عراق رقبای اصلی برای دستیابی به برتری عربی بودند. عراق تحت سلطنت هاشمی‌ها نماینده گرایش محافظه‌کار و طرفدار غرب بود، درحالی‌که مصر به رهبری ناصر، نماینده اصلاحات و استقلال از اتحادهای قدرت‌های بزرگ محسوب می‌شد. هریک از این کشورها می‌کوشیدند سوریه را به حوزه نفوذ خود وارد کنند و به این وسیله قدرت منطقه‌ای خود را افزایش دهند. سیاستمداران و افسران نظامی سوریه در مورد این که کدام‌یک از دو کشور متحد بهتری خواهد بود، اختلاف داشتند و این تقسیم‌بندی که مصر و عراق با خوشحالی از آن بهره می‌بردند، به آشفتگی سیاسی کشور دامن می‌زد. تجمیع این زخم‌ها همچنان مانع کارکرد صحیح ساختار دولت ـ ملت مدرن در سرزمین شام است.

به‌عبارت دیگر حکام دمشق، حاشیه (اکراد، علویان و دروزی‌ها) متمرد کشور را با کاهش حضور در نهادهای تصمیم‌گیری تنبیه کرده و خواهان وفاداری مطلق اقلیت‌های سوریه به گفتمان سلفی ـ جهادی جولانی هستند. هرچند مقامات می‌گویند که به‌دلیل فقدان داده‌های جمعیتی قابل اعتماد و پس از آوارگی میلیون‌ها سوری براثر جنگ، به‌جای حق رأی عمومی، به این سیستم غیرمستقیم متوسل شده‌اند.

زنگ خطر در کاخ سفید

اقدامات انحصارطلبانه اخیر جولانی، با چشم‌انداز «خاورمیانه بزرگ» در تضاد آشکاری است. واشنگتن قلبا به ثبات منطقه غرب‌آسیا باوری ندارد اما تشدید جنگ داخلی (نظیر عراق و سوریه) که روند آنها برخلاف منافع این قدرت جهانی پیش رفت نیز سودی برای ترامپ نخواهد داشت.

سکاندار کاخ سفید امیدوار است که با آرام‌سازی فضای داخلی برخی از کشورهای منطقه، زمینه الحاق این دولت ـ ملت‌های شکننده را به پیمان ابراهیم یا حداقل همسویی با رهبری رژیم صهیونیستی بر خاورمیانه تسهیل کند. باید توجه داشت که تل‌آویو، تنها متحد منطقه‌ای واشنگتن با اشتراکات فرهنگی و اجتماعی است. این وابستگی فرای دولت‌ها وفاداری صهیونیست‌ها به پیشبرد منافع ایالات متحده را تضمین می‌کند.

سوریه نیز به‌عنوان گلخانه‌ای زیر ذره‌بین محسوب می‌شود که پروژه مطیع‌سازی آن نبایستی با زخم‌های قومی ـ قبیله‌ای تاریخی برهم بخورد. هرچند این امر مسأله دشواری است، چراکه همان رژیم صهیونیستی تحت نظر نتانیاهو سیاست توسعه‌طلبی را مطلوب‌تر تشخیص داده و اعتمادی به روندهای بلندمدت با امثال جولانی ندارد.

بنابراین، اینجاست که حرف‌های توماس باراک، نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور سوریه و لبنان نگاه غرب به خاورمیانه را بدون سانسور نشان می‌دهد.

وی با اشاره به عدم پایان جنگ در منطقه تأکید کرد: «خاورمیانه‌ای وجود ندارد؛ بلکه قبایل و روستاهایی هستند و از نظر اسرائیل، این خطوطی که توسط سایکس ـ پیکو ایجاد شده‌اند بی‌معنی است. آنها هرگاه و هرکجا بخواهند، عمل می‌کنند.»

گزارش

پروژه غرب در گرجستان شکست خورد

شکست اروپا در پنجمین انقلاب رنگی





مهدی سیف‌تبریزی
گروه بین‌الملل

در شامگاه ۱۲مهر (۴ اکتبر)، زیر نور چراغ‌های خیابان روستاولی، هزاران معترض با پرچم‌های اتحادیه اروپا و ایالات‌متحده، به سوی کاخ ریاست‌جمهوری گرجستان هجوم بردند. صدای شعارهای «استعفا، استعفا!» و «زنده باد اروپا» در هوای تفلیس می‌پیچید، در حالی که پلیس ضدشورش از قلب نمادین قدرت ملی و دموکراسی حفاظت می‌کرد؛ صحنه‌ای که نه از خشم واقعی مردم، بلکه از سناریویی آشنا در انقلاب‌های رنگی غربی الهام گرفته شده بود. این اغتشاشات که پس از پیروزی قاطع حزب حاکم «رویای گرجستان» در انتخابات شهرداری‌ها آغاز شد، نمادی از تلاش خارجی برای بی‌ثبات‌سازی یک ملت مستقل است. گرجستان، با تاریخ پرتلاطم ۳۳ ساله خود در برابر نفوذهای شرقی و غربی، بار دیگر در برابر فشارها ایستاده و ثابت کرده که دموکراسی واقعی، نه در خیابان‌های آشوب‌زده، بلکه در صندوق‌های رأی نهفته است.

انتخابات مشروع در برابر تحریم‌های اپوزیسیون

اغتشاشات دو شب گذشته، مستقیما ریشه در انتخابات شهرداری‌های ۱۲ مهر (۴ اکتبر) دارد که با مشارکت ۳۳/۵ درصدی رأی‌دهندگان، به پیروزی حزب «رویای گرجستان» منجر شد. این حزب، در تمام شهرداری‌ها بیش از ۸۰ درصد آرا را به دست آورد و در تفلیس، کاخاکالادزه با ۷۱/۶۱ تا ۷۷/۴ درصد آرا، مجددا به عنوان شهردار انتخاب شد.

کمیسیون مرکزی انتخابات، این فرآیند را «آرام و آزاد» ارزیابی کرد، بدون هیچ شواهد معتبری از وقوع تقلب. با این حال، اپوزیسیون طرفدار غرب از جمله ائتلاف «گرجستان قوی» با تنها ۶/۸ درصد و «گاخاریا برای گرجستان» با ۳/۸ درصد پیشاپیش نتایج را «نامشروع» اعلام کرد و تحریم گسترده‌ای را اعمال کردند. این استراتژی، نه بر پایه اعتراضات واقعی، بلکه برای تضعیف مشروعیت دولتی طراحی شده بود که با حمایت گسترده مردمی، مسیر استقلال و پیشرفت را بر اساس شاخص‌های غربی طی می‌کند.

شروع درگیری‌ها بلافاصله پس از بسته شدن صندوق‌های رأی رخ داد. هزاران نفر از نقاط کلیدی تفلیس مانند فیلارمونیک و دانشگاه دولتی، به سمت میدان آزادی حرکت کردند و ستون‌های اعتراضی از مناطق دوردست مانند آدجارا به پایتخت پیوستند.

معترضان با یورش به کاخ ریاست‌جمهوری، به آتش زدن پرچم‌های روسیه مشغول شدند. این صحنه‌ها، یادآور الگوهای تکراری در انقلاب رنگی «یورو میدان» اوکراین در سال ۲۰۱۴ است؛ جایی که دخالت‌های خارجی، ثبات را قربانی اهداف ژئوپلیتیک کرد.

شعارهای ظاهرا مردمی، هدفی پنهان

معترضان، عمدتا جوانان و فعالان وابسته به شبکه‌های غیرحکومتی خارجی، خواسته‌های خود را بر سه محور متمرکز کردند؛ برگزاری انتخابات مجدد با ادعای «تقلب گسترده»، استعفای فوری دولت و رهبران «رویای گرجستان» و ازسرگیری مذاکرات پیوستن به اتحادیه اروپا. آنها دولت را به «نفوذ روسیه» متهم کرده و پرچم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا را به عنوان نماد «آزادی» برافراشتند. اما این ادعاها، بیش از آن‌که بازتاب اراده عمومی باشند، از دستورالعمل‌های خارجی الهام گرفته شده‌اند. نظرسنجی‌های مستقل نشان‌دهنده حمایت ۷۰-۸۰ درصدی از دولت است، در حالی که تحریم اپوزیسیون، مشارکت را عمدا پایین آورد تا توان تحریف نتایج را داشته باشد. دلیل اصلی اعتراضات، تعلیق روند مذاکرات پیوستن به اتحادیه اروپا توسط دولت گرجستان است که در نوامبر ۲۰۲۴ از سوی نخست‌وزیر کالادزه اعلام شد و این تعلیق تا پایان سال ۲۰۲۸ ادامه خواهد یافت. معترضان این تصمیم را «خیانت به آرمان‌های اروپایی» می‌دانند و ادعا می‌کنند که گرجستان با این اقدام، از مسیر دموکراتیک و غربی شدن منحرف شده و به سمت روسیه گرایش یافته است. آنها خواستار ازسرگیری فوری مذاکرات هستند. زیرا معتقدند این تعلیق، فرصت‌های اقتصادی، ویزای آزاد و حمایت‌های اتحادیه اروپا را از بین می‌برد. این خواسته‌ها از اکتبر ۲۰۲۴ با برخی اعتراضات خیابانی همراه بوده است و معترضان آن را نمادی از مبارزه برای آزادی و علیه «انتخابات جعلی» توصیف می‌کنند. همچنین آزادی زندانیان سیاسی و برگزاری مجدد انتخابات پارلمانی از دیگر خواسته‌های آنان است.

با این حال، دولت گرجستان تعلیق را کنار نگذاشته و دلایلی برای آن ارائه کرده است. نخست‌وزیر ایراکلی کوباخیدزه تأکید کرده که این تصمیم، پاسخی به فشارهای ایدئولوژیک و باج‌گیری اتحادیه اروپاست. پس از اعطای وضعیت نامزد عضویت در دسامبر ۲۰۲۳، اتحادیه اروپا شرط‌هایی مانند پذیرش «ارزش‌های لیبرال» (از جمله سیاست‌های LGBTQ+، مهاجرت گسترده، تغییرات ارزش‌های سنتی فرهنگی و تغییر جایگاه کلیسای ارتدوکس) را تحمیل کرد که با هویت سنتی و مسیحی گرجستان ناسازگار است.

از سوی دیگر قانون «عامل خارجی» مصوب سال ۲۰۲۴ که سازمان‌های مردم نهاد خارجی را ملزم به ثبت و شفافیت مالی می‌کند، نقطه اصلی تنش در سال‌های اخیر بوده است به شکلی که غرب در چهار سال گذشته پنج انقلاب رنگی را گرجستان ترتیب داده است. این قانون، نه سرکوب، بلکه ابزاری برای جلوگیری از دخالت خارجی (مانند تأمین مالی اعتراضات توسط سوروس و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده) است.

دولت ادعا می‌کند اتحادیه اروپا این قانون را بهانه‌ای برای تحریم‌ها و تعلیق ویزای دیپلماتیک قرار داد، در حالی که گرجستان همچنان به روابط متعادل با اروپا علاقه‌مند است، اما نه به قیمت از دست دادن حاکمیت ملی. این تعلیق، به گفته مقامات، موقتی است و تا سال ۲۰۲۸ ادامه می‌یابد تا گرجستان بتواند بدون فشار خارجی، اصلاحات داخلی را پیش ببرد. منتقدان این دلایل را نادیده می‌گیرند و تعلیق را «گرایش به روسیه» می‌خوانند، اما دولت آن را حفاظتی ضروری برای استقلال می‌داند.

اتحاد ملی در برابر تفرقه خارجی

مواضع احزاب، دوگانگی آشکاری را نشان می‌دهد. اپوزیسیون طرفدار غرب، پیش از انتخابات به «انقلاب مسالمت‌آمیز» فراخوان داد و نتایج را «دزدیده‌شده» خواند. سالومه زورابیشویلی، رئیس‌جمهور سابق، آن را «تلاش صحنه‌سازی‌شده رژیم» توصیف کرد و خواستار انتخابات جدید شد. این رویکرد، نه بر پایه شواهد، بلکه کاملا بر تحریک خارجی استوار است.

در مقابل، «رویای گرجستان» با قاطعیت پاسخ داد. ایراکلی کوباخیدزه (نخست‌وزیر) اعتراضات را «کودتای سازمان‌یافته توسط سرویس‌های خارجی» نامید و بیدزینا ایوانیشویلی، بنیانگذار حزب بر حمایت ۸۰ درصدی مردم تأکید کرد. کاخا کالادزه شهردار تفلیس آن را «تلاش مستقیم برای کودتا» خواند. احزاب حامی دولت، بر مشروعیت انتخابات و ضرورت ثبات در کشور تمرکز دارند و این موضع‌گیری، نمادی از وحدت ملی در برابر تلاش‌های تفرقه‌افکن است. طرفداران حزب در شبکه‌های اجتماعی، این پیروزی را جشن گرفته و اعتراضات را «یورومیدان گرجی» با حمایت خارجی می‌دانند.

نقش مخرب اتحادیه اروپا، سازمان‌های غربی و دیپلمات‌ها

نقش اتحادیه اروپا، ایالات متحده و سازمان‌های وابسته مانند آژانس توسعه بین‌الملل آمریکا، موقوفه ملی برای دموکراسی NED و بنیاد جامعه باز جورج سوروس، در ملتهب کردن اوضاع گرجستان، عمیق و سیستماتیک است. این نهادها، با بودجه سالانه میلیون‌ها دلاری، سازمان‌های مردم‌نهاد محلی را تأمین مالی می‌کنند تا اعتراضات را سازماندهی کنند؛ الگویی که در انقلاب‌های رنگی گذشته در کشورهای جدا شده از شوروی بارها دیده شده. برای مثال، USAID و NED، که توسط کنگره ایالات متحده بودجه می‌گیرند، برنامه‌های «تقویت جامعه مدنی» را اجرا می‌کنند که در عمل، به آموزش فعالان برای چالش با دولت تبدیل شده. بنیاد سوروس نیز با سرمایه‌گذاری در رسانه‌ها و گروه‌های حقوق بشری، روایت «نفوذ روسی» را ترویج می‌دهد تا دولت را بی‌اعتبار کند.

دیپلمات‌های غربی، نقش فعالی ایفا کرده‌اند. پاول هرچینسکی، سفیر اتحادیه اروپا در تفلیس، توسط کوباخیدزه مستقیما متهم به «دخالت در سیاست داخلی» شده و خواسته شده از فرآیندهای خیابانی فاصله بگیرد. هرچینسکی با بیانیه‌های تحریک‌آمیز، از «حق اعتراض» حمایت کرده اما خشونت معترضان را نادیده گرفته، در حالی که حضور دیپلمات‌های کشورهای اروپایی در تجمعات برای «رصد» روند تحولات، عملا به تشویق معترضین تبدیل شده است.

این دخالت‌ها، بخشی از استراتژی گسترده‌تر غرب برای کشاندن گرجستان به مدار ساختارهای اروپایی است. اتحادیه اروپا با تحریم‌های یک‌جانبه و قطع ویزای دیپلماتیک، اقتصاد گرجستان را هدف قرار داده، در حالی که ایالات متحده، با احضار سفیر گرجستان، ادعاهای «دروغین» در مورد تأمین مالی اعتراضات را محکوم کرده است. چنین اقداماتی، نه حمایت از دموکراسی، بلکه تلاش برای سرنگونی دولتی است که روابط متعادل با روسیه و غرب را ترجیح می‌دهد.